



محمدحسین سلطانی خبرنگار

۵۷، ۶۹، ۶۰، ۶۵، ۶۱ و ۶۵ این سال‌های تولد نویسندگانی است که به قول یامین‌پور مدال تقریظ را گرفته‌اند.

تقریظ کتابی با موضوع زندگی امام خمینی^(ره) رونمایی شد

تنفسی در اتمسفر روح‌الله

«کتاب‌هایی که از طرف رهبر انقلاب تقریظ دارند همه توسط نویسندگان متولد پس از انقلاب و متولد دهه ۶۰ حتی بعضاً نزدیک دهه ۷۰ نوشته شده‌اند.» این جمله‌ای است که ابراهیم‌زاده، معاون رئیس دفتر حفظ و نشر آثار مقام‌معظم‌رهبری می‌گوید، آن هم در مراسم رونمایی از

مجری حرف‌های مهمی می‌زند

محمدرضا کائینی، مجری مراسم تقریظ است، او که پیش از این برنامۀ چهاران را هم اجرا کرده، می‌داند از امام چطور بگوید و پستی و بلندی‌های نشر این حوزه را می‌شناسد و می‌داند درد کتاب‌های نشر انقلاب چیست. کائینی آخر مجلس و وقتی خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها دوربین‌های پخش زنده‌شان را از مراسم بیرون می‌برند، میکروفنش را روشن می‌کند و می‌گوید: «مهم‌ترین نکته‌ای که در آغاز مجلس فراموش کردم به آن اشاره کنم، این بود؛ مهم‌تر از

آنکه بخواهیم درباره این کتاب صحبت کنیم، این اهمیت دارد که به این فکر کنیم چطور می‌شود کتابی که این حد‌برایش زحمت کشیده شده و به زبان ساده نگاشته شده و ایضاً تقریظ رهبری را هم دارد، به مردم و علی‌الخصوص قشر جوان جامعه معرفی کرد، به‌نظرم پژوهشگران مجلس بیشتر باید روی این موضوع فکر کنند.» حدود دو ساعت پیش از آنکه کائینی صلوات آخر مجلس را از حاضران بگیرد، مراسم با صحبت‌های ۷ سخنران پیگیری

جداً امام را چطور باید بنویسیم؟

صحبت‌های کائینی و ابراهیم‌زاده که تمام می‌شود نوبت فلاح‌شیروانی، نویسنده کتاب «حوزه باید انقلابی بماند» است تا جملاتش را آغاز کند. شیروانی صحبت‌هایش را می‌برد سمت اینکه چرا باید اصلاً از خمینی(ره) نوشت: «تصمیم امام این بود که مردم قیام کرده و صحنه را کاملاً ویرایش کنند و به تعبیر دیگر ساقط کردن نظام استبدادی اصلاً هدف امام نبود، امام می‌خواست یک رشد را برای بشر و به تعبیر خودشان محیط انسانیت رقم بزند. بعضی از اندیشمندان غربی حتی متوجه این قضیه شدند که مسئله مردم ایران مسئله اقتصادی نیست حتی مسئله عزت ملی نیست؛ مردم ایران می‌خواهند انسان جدیدی شوند و شدند و با انسان جدید به سمت تمدن جدید می‌شود رفت.»

نفر بعد ابراهیم برزگر است، استاد حوزه و دانشگاه. برزگر کمی با میکروفون فاصله دارد و کائینی می‌گوید نزدیک‌تر شود. هوای مجلس

از خنکی به سر ما می‌زند، برزگر صحبت‌هایش را می‌برد سمت مسئله تغییر در گزاره‌های دینی و سیاسی توسط امام، او می‌گوید: «امام توانست معمای ۱۵۰ ساله‌ای که اسلام می‌تواند هم‌زمان با تغییرات اجتماعی، نظام سیاسی ایجاد بکند را حل کند. امام در عمل این کار را انجام داد و توانست یک انقلابی را با گزاره دینی و نظام سیاسی را با گزاره دینی ایجاد کند آن هم یک نظام سیاسی پایدار و اکنون فقط تمدن‌سازی مانده است، طبیعی است متأسفانه باپیش‌بینی‌ای که تمدن غرب کرده، در مسیر تحقق تمدن نوین مزاحمت ایجاد می‌کند.» برزگر گریزی هم می‌زند به موضوعات روز و می‌گوید: «جنايت غرب فقط آنچه که در غزه اتفاق می‌افتد نیست؛ به نظر من یکی از جنايت‌های بالاتر غرب این است که از شکل‌گیری تمدن جدیدی که می‌تواند یک میراث و یک دستاورد برای بشر باشد با تحریم‌های فلج‌کننده و ابزار دیگر ممانعت می‌کند.»

«روح‌الله» را به دانشگاه می‌برم

ما و برای همه کسانی است که چه در پیروزی انقلاب نقش داشتند و چه در تداوم و چه در تثبیت انقلاب نقش داشتند؛ حفظ انقلاب یک اصل مهم است که باید به آن توجه کرد. با توجه به تأکیدِ که رهبر انقلاب بر اصول و ارزش‌ها دارند بیانیه گام دوم انقلاب خود یک نمود بارزی از بحث تداوم انقلاب اسلامی است.»

صحبت‌های پیرانی که تمام می‌شود نوبت به انتشار تقریظ می‌رسد. تقریظ ذیل یک کلیپ دو دقیقه‌ای منتشر می‌شود: «این کتاب توانسته است چهره‌ای نزدیک به واقع از امام خمینی ترسیم کند؛ خردمندی، دوراندیشی، ایمان ناب، اخلاص در عمل، اراده پولادین، باور ژرف به

تا اینجاى صحبت‌ها تقریباً کتاب چندان موضوعی بحث‌ها و صحبت‌ها نبوده تا اینکه نوبت به خانم پیرانی می‌رسد: «کتاب «روح‌الله» را به عنوان منبع غیردرسی در دانشگاه تدریس خواهیم کرد، چون کتابی جامع و دوست‌داشتنی است که حرف زیادی برای گفتن دارد.» این جمله که تمام می‌شود نگاه سرد و خیره هادی حکیمیان، نویسنده روح‌الله نرم می‌شود.

پیرانی جملاتش را داغ‌تر می‌کند: «پیروزی انقلاب شاید سخت بود ولی تداوم آن به مراتب سخت‌تر از پیروزی است. با توجه به اینکه انقلاب فقط یک رویداد تاریخی نیست بلکه یک مسئولیت همیشگی برای همه

همهٔ ایران در اتمسفر امام نفس کشیده‌اند

می‌گیرد. ظاهرأ بختیار از اینکه او را خائن خوانده‌اند ناراحت است و می‌خواهد همراه برخی از وزرای کابینه‌اش به پاریس بیاید و با آیت‌الله خمینی دیدار کند. پاسخ آیت‌الله از خلال خاطرات دکتر یزدی: «من مطلب را عیناً به امام گزارش کردم. ایشان گفتند که پذیرش بختیار مشروط به استعفاى او خواهد بود. آن هم حالا صلاح نیست بماند برای بعد.» حالا شما گمان کنید اگر این متن طور دیگری نوشته می‌شد. مثلاً به جای آیت‌الله حکیمیان می‌آورد امام خمینی یا مثلاً به جای افعال ساده همه چیز را پیچیده می‌کرد و نثرش را برای آنکه تحقیقی جلوه‌دهد، کلمات گل‌گویر را با فرغون درون متن می‌ریخت. حکیمیان دلیل این حد از روان بودن متن را طیف مخاطبانی می‌داند که به دنبال‌شان بوده. همان‌هایی که با خواندن روح‌الله به‌جای آنکه با یادداشت‌های یک نویسنده انقلابی مواجه شوند، کتاب با روایت

تقریظ «روح‌الله» کتابی که قرار است روایتی به زبان ساده داشته باشد از امام. آخرین نویسنده‌ای که ستنش به اوایل پنجاه نزدیک است و تقریظ دریافت کرده، گلستان جعفریان برای «پاییز آمد» است. ابراهیم‌زاده می‌گوید: «رهبر انقلاب که خودشان ایجادکننده این جریان فرهنگی

شد، که باز هم اولینش خود کائینی بود: «علی‌رغم تلاش‌ها و زحمات صورت گرفته، هنوز از موضع شناساندن امام اثر مستندی را منتشر نکرده‌ایم و یک اثر جامع و کامل و بدون حرف و حدیث در باره ایشان نداریم و کتاب روح‌الله نقطه‌عطفی در این راه است. شخصیت امام ابعاد متنوع و بزرگی دارد که پرداختن به آن نیاز به تلاش‌های متعدد و مستمر دارد. کتاب روح‌الله در این راستا یک بیورگرافی نویسی نیست، بلکه در پاسخ به سؤالاتی سه‌گانه پیرامون

تا اینجاى کار میانگین سنى جلسه چندان هم به میانگین سنى تقریظ گرفته‌ها نزدیک نیست تا اینکه نوبت به سجاد صفارهرندی، و بلاگ‌نویس قدیم و مدیر فعلی پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی حوزه هنری می‌رسد. صفار حرف‌هایش را از انقلاب فرانسه آغاز می‌کند و بعد به این می‌رسد که نقطه مهمی که در آثار امام باید به آن پرداخته شود، اتفاقی است که متفاوت با پژوهش‌های جامعه‌شناختی مرسوم صورت پذیرفته. صفار می‌گوید: «برای اتفاقات زیادی در جهان ما، پیش یا پس از انقلاب اسلامی به حق یا ناحق تعبیر انقلاب به کار برده شده، و رهبران بزرگی را برای آن‌ها تراشیده‌اند. نسبت انقلاب اسلامی با امام خمینی متفاوت است و نه این از باب اینکه بخواهیم یک گفتار علاقه‌مندانه بگویم، بلکه این یک گزاره جامعه‌شناختی علمی است.»

میکروفون سجاد صفارهرندی که خاموش می‌شود، نوبت به خانم‌های

گفته و عمل و هدف خود، شجاعت بی‌نظیر، دانش گسترده، روح لطیف و زلال، امید و اعتماد به خدا. و البته ویژگی‌های دیگری که هست که این نویسنده به آن دست نیافته است. امام خمینی در این کتاب به‌حق رهبری بزرگ و بی‌نظیر است که باور او به مردمش، نیمی از محصول کار او را تشکیل می‌دهد.» این جمله انگار چند بار در محل برگزاری تکرار می‌شود: «باور او به مردمش، نیمی از محصول کار او را تشکیل می‌دهد.» در مدتی که تقریظ خوانده می‌شود سر حکیمیان پایین است. متن تقریظ به نقطه اوجش می‌رسد: «من هم مانند نویسنده می‌گویم خدا خمینی را تا ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه برای اسلام و مسلمین

نگه دارد. مطالعه این کتاب برای نسل جوان ما بسیار سودمند است.» آخر متن تقریظ امضای رهبری به‌علاوه همان نوشته معروف سیدعلی حسینی خامنه‌ای درج می‌شود. جمعیت صلواتی ختم می‌کند و حالا نوبت آن است تا نویسنده میکروفنش روشن شود: «سؤال اصلی نسل جواب این است که چه لزومی دارد درباره امام بنویسیم؟» حکیمیان قدری صبر می‌کند و ادامه می‌دهد: «بیشترین تأثیر بر بیش از ۸۵ میلیون جمعیت، چه طرفداران ایشان و چه مخالفان ایشان و انقلاب، به شدت از آثار و اندیشه‌های امام متأثر است، به عبارت روشن‌تر مردم ایران در اتمسفر امام تنفس می‌کنند.»

«سرولبند گوراب» (روایتی از درگیری نوجوانان یزدی و نیزوهای شاهنشاهی)، «پست طهران» (داستان زندگی سرهنگی است که در دوران استمشاهی زندگی می‌کند و دچار تردید می‌شود)، «باغ خرمالو» (روایت‌گر استعفا و تبعید رضاشاه پهلوی به خارج از کشور است، زمانی که کشور در اشغال متفقین قرار دارد) نگاشته است که نخ تسبیح همه این آثار روایت کردن از تاریخ بازان ساده و روان و مناسب مخاطب نوجوان و جوان است. با این حال، روح‌الله رده‌سنش‌اش جلوتر از باقی کتاب‌های حکیمیان است و این در نوع خودش یک تنوع محسوب می‌شود. از طرفی تا حالا یک شخصیت تاریخ انقلاب برای حکیمیان بدل به سوژه نشده بود و تا همین چند اثر قبلی بیشتر با خلق کاراکتر، داستان اصلی را در بستر یک روایت واقعی جلو می‌برد.

یک رمان‌نویس روبرویشان می‌کند. حکیمیان نگاهش همان‌قدر خیره و درگیر است. حتی موقعی که حرف می‌زند انگار درگیر ساده‌کردن جملاتش است. یکی از رفقای خبرنگاری که کنار دستم نشسته به‌شوخی می‌گوید: «انگار نویسنده می‌خواهد بقیه را بزند!» اما نگاه این مرد یزدی چهل و چند ساله خیلی ربطی به خشم ندارد. او صحبت‌هایش را این‌طور به پایان می‌برد: «تقریظ رهبری موجب دلگرمی و قوت قلب و امید مضاعف بنده و ناشر کتاب روح‌الله (شهرستان ادب) شد.» برای آن‌هایی که نمی‌دانند، حکیمیان چندان نویسنده غریب و ناآشنایی نیست. او پیش از این «خواب پلنگ» (روانی با ماجرای اعدام انقلابی ناصرالدین شاه قاجار به دست میرزا رضا کرمانی)، «برج قحطی» (قصه‌ای از حال و هوای یزد در دوران پهلوی)،

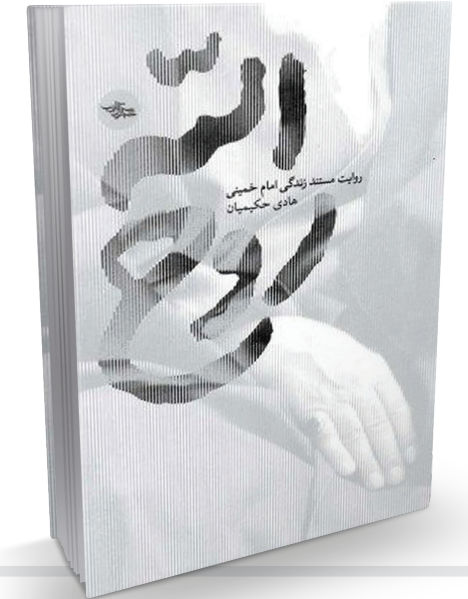
جامعیت داشته باشد را احیا کرد. امام راحل در خودسازی نمونه یک انسان کامل است و فعل «ما می‌توانیم» را با همین روحیه صرف کرد و در همان ابتدا نفی شرق و غرب را به میان آورد. «

تبریزی گریزی هم به صحبت‌های تقریظ می‌زند و می‌گوید: «شناخت امام راحل از جامعه عمیق و کامل بود و کمتر کسی را می‌توان یافت که به مردم خود تا این حد اعتماد و ایمان داشته باشد. مردم در نظر امام راحل افرادی سالم و صالح بودند و به

همین خاطر مردم را بدون هیچ اقدام نظامی و حزبی به میدان آورد. شناخت امام از دشمنان در داخل و خارج خیلی خوب است،

امام‌نشان داد دشمن اصلی برای بشریت آمریکاست و وقتی به آمریکا می‌گوید شیطان بزرگ یعنی در کشور آمریکا ایدئولوژی شیطانی برقرار است و تا زمانی که این ایدئولوژی حاکم باشد، نمی‌توان با آن‌ها کنار آمد.» صحبت‌ها که تمام می‌شود. همه گرم عکس گرفتن‌ها و کارهای مرسوم روزنمای‌ها می‌شوند. ولی من چشمم خیره مانده به کتابی که نمایش روح‌الله است و تصویرش از امام. دوباره یاد حرف‌های کائینی می‌افتم. جداً چه کار باید کنیم که روح‌الله را بخوانند؟

شاید چیزی شبیه به شوخی به نظر برسد، اما چقدر چشم‌های حکیمیان شبیه امام شده!



از بیرون که نگاه می‌کنی، روح‌الله به یک اثر تکراری شبیه است که در چند سال اخیر برای امام نوشته شده و یا حتی در فرایند کتاب‌سازی‌ها قرار گرفته. برخی با رجوع به وصیت‌نامه‌های امام و سرهم‌بندی کردن آن با چند کتاب دیگر سعی کردند دست به تولید انبوه آثار انقلابی بزنند با این حال ۴۱۲ صفحه حکیمیان یک تفاوت عمده با باقی آثار دارد که آن را یامین‌پور روشن می‌کند. یامین‌پور که خودش هم دستی در روایت‌نویسی دارد و کتاب صوتی روح‌الله را هم ضبط کرده، به‌طور تمام و کمال صحبت‌هایش را معطوف به کتاب می‌کند: «تقریظ رهبری بر کتاب روح‌الله مدالی به سینه نویسنده کتاب است. مردم شاید از روحیه شاعرانه امام و نگاه دقیق ایشان نسبت به مسائل بین‌المللی و تحلیل‌های سیاسی خبر نداشته باشند، اما این‌ها در کتاب آمده.»

یامین‌پور از معدود افرادی است که نمی‌شود بین نوشته‌هایش و صحبت کردنش تفاوت‌چندانی قائل شد. این هم از ویژگی‌های روایت‌نویس هاست: «امام ودیعه‌ای که خدا در جهان «الست» به انسان‌ها داده بود را با دعوت از مردم به خدا و جهاد برای خدا